

شمایل شناسی سکه های سلجوقیان ایران و روم از منظر گفتمان مذهب بر اساس دیدگاه اروین پانوفسکی

شهره بیروتی

دانشجوی دکتری تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران

مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

shohrehbirouti@yahoo.com

پرناز گودرزپوری

استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

امیرباقری گرمارودی

استادیار گروه شیمی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰)

چکیده

سکه های سلجوقی از منظر زیبایی نقشمایه ها و تنوع شعائر مذهبی، یکی از بهترین سکه های اسلامی می باشند که می بایست موشکافانه و دقیق از منظر شمایل نگارانه و شمایل شناسانه، توصیف، تحلیل و تفسیر گردند تا بن مایه های اندیشه و فلسفه وجودی آن ها شناسایی گردد. مهمترین جریان فکری که از هر لحاظ تاثیر عمیقی بر ضرب عناصر بصری و همچنین شعائر مذهبی روی این گروه از سکه ها گذاشت، گفتمان مذهب بود که تحت تاثیر باورهای مذهبی، در زیباترین شکل خود بر روی سکه ها حک گردید. هدف از پژوهش، بررسی نقشمایه های غالب بر سکه ها با رویکرد شمایل شناسانه در طی گام های سه گانه توصیف، تحلیل و تفسیر است تا بتوانیم به پیوندهای عمیق مکنون بین ظاهر یک متن تصویری و آنچه خارج از متن بصورت قراردادهای مذهبی تعریف شده است، دست یابیم. پژوهش حاضر با رویکردی متفاوت از شیوه های مرسوم سکه شناسی، در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر شمایل شناسی اروین پانوفسکی، عناصر بصری حاکم در سکه ها چگونه تحلیل و تفسیر میگردند؟ فرضیه آن است که صرف نظر از منظر زیبایی شناسانه، بر مفاهیم فراتری دلالت مینمایند که همسو با باورهای آیینی و اعتقادات مذهبی متنوع است. پژوهش، به روش تحلیلی تاریخی، با استناد به مطالعات کتابخانه ای، بررسی میدانی و گزینش هدفمند داده های موزه ای نشان می دهد عناصر بصری حاکم در سکه ها در دوران سلجوقیان ایران به تمغاها و عنصر بصری تیر و کمان خلاصه شده و در زمان سلجوقیان روم به سوارکار با تیر و کمان و نقشمایه شیر و خورشید ارجاع داده می شود که هر کدام با معانی قراردادی خاصی با مفاهیم فلسفی موجود قرابت داشته، تحلیل و تفسیر شمایل شناسانه از منظر گفتمان مذهب و فرهنگ، در دوره های حاکمان متعدد، مورد مقایسه تحلیلی و تطبیقی قرار گرفته و مشاهده گردیده تحت تاثیر سیاستهای دینی و یا بی سیاستی مذهبی، ضرب نقشمایه ها به همراه شعائر مذهبی بر روی سکه ها صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سلجوقیان، سکه، شمایل شناسی، مذهب

مقدمه:

پژوهش حاضر سکه های متعلق به دوره سلجوقیان ایران و روم را مورد بررسی قرار داده و با رویکرد شمایل شناسانه درصدد رهنمون یافتن از معنای ظاهری به معنای باطنی با ورود لایه ای به لایه دیگر معنا است. در این متد که انجام پذیر بر هر لایه تصویری که منسوب به حیطة درون مایه و معنا و مصداق فرمی است، می باشد؛ می توان نشان ها و ارجاعات لایتناهی تصویری را پی جویی کرد. این مسیر از تاویل عناصر تجسمی اثر آغاز و به تفسیر و در نهایت به تاویل اثر هنری می رسد. در راستای این پژوهش، نگارندگان متناسب با روش شمایل شناسانه در سه مرحله پیش شمایل نگاری، مراحل دوم (که مبتنی بر درک سوژه ثانوی و قراردادی است) و سوم شمایل شناسی (که مبتنی بر درک ذاتی و درونی اثر هنری است) در پی شناسایی مضامین سکه ها است و نیز در پایان هر کدام از دوره ها، بر اساس دیدگاه خصوصیات المانهای تصویری بررسی شده و بر پایه روش تطبیقی با هم مورد مقایسه قرار می گیرند. در نتیجه بررسی های اجمالی صورت گرفته از سوی پژوهشگران، مهمترین پرسمان اجتماعی که از هر نظر نفوذ عمیقی در نقشمایه ها و المانهای تصویری و همچنین شعائر مذهبی ضرب شده بر روی سکه ها دارا است، دین و فرهنگ می باشد. جستار دین و فرهنگ در دوره سلجوقیان تا کنون با همه اهمیت و ارزشی که دارد در هیچ منبعی به تفصیل و با توجه به سکه های ضرب شده این دوران، مورد بحث، مقایسه

و تطبیق قرار نگرفته و نوشته های تاریخ نویسان در این باره از حدود شرح واقعیات مذهبی همچون قبول اسلام یا اقدامات طبقه حاکم در خصوص گرایشهای مختلف آیینی و مذهبی تجاوز نکرده است. ضرورت انجام این پژوهش بدان لحاظ است که رابطه فرهنگ حاکم بر جامعه بر هنر سکه نگاری و تاثیر آن بر تفکر عامه مردم تاکنون بصورت تطبیقی در دوره های مختلف بر روی سکه ها انجام نشده است. این پژوهش در پی آن است تا از منظر نظریه بازنمایی پانوفسکی به تطبیق شمایل های به کار رفته در سکه ها پردازد که این زاویه دید خاص، اهمیتی منحصر به فرد پژوهش داده است. امروزه آیکونولوژی و آیکونوگرافی به معنای مطالعه نظام مند آیکون ها به عنوان شاخه ای از تاریخ هنر به توصیف، تفسیر و معانی آثار هنری در مقابل فرم می پردازد و از معتبرترین روش های تعریف و تفسیر تصاویر و رمزگشایی و درک عمیق تر آثار هنری محسوب می شود. در دانشگاه تربیت مدرس با نگاهی میان رشته ای، پایان نامه دکتری باستان شناسی، پرستو مسجدی (۱۳۹۲) با عنوان "آنالیز عنصری سکه های نقره دوره سلجوقی به منظور شناخت وضعیت سیاسی و اقتصادی در این دوره" با راهنمایی فرهنگ خادمی ندوشن، مورد پژوهش قرار گرفته است و همچنین محسن سعادت و حسین ناصری (۱۳۹۵) دانشجویان دکتری باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس پژوهشی مبنی بر "بحثی پیرامون وضعیت

مالی دوران سلجوقیان با اتکا به مسکوکات آن دوران "انجام داده اند که نتیجه این تحقیق در فصلنامه علمی تخصصی تاریخ نو، شماره ۱۷ به چاپ رسیده است که خاطر نشان می سازد میزان نقدینگی در نظام پولی سلجوقیان از دوره ی اول به سمت دوره ی دوم سیر نزولی داشته و از دیگر سو، وضعیت بحران مالی حاکم در خزانه سلجوقیان عراق شدیدتر از دیگر بخش های قلمرو آنان بوده است. عبدالحسین میلانی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز و فاطمه حاجیانی (۱۳۹۳) دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، پژوهشی مبنی بر "نقش دین و مذهب در روابط ملکشاه سلجوقی با خلافت و سلسله های همجوار" انجام دادند که در نهایت با بررسی سیاست تهاجمی ملکشاه در برابر مناطق مسیحی نشین، چگونگی برخورد با حکومت های شیعی محلی و کوشش برای نزدیکی به خلافت عباسی، تمایلات مذهبی ملکشاه سلجوقی را منعکس کننده خواسته های خلافت عباسی به عنوان رهبر جهان اسلام معرفی نمودند که با بررسی و مطالعه پژوهشگر می توان تاثیر آن ها را در روند شکل گیری و چگونگی ضرب موتیف ها و شعائر مذهبی بر روی سکه ها، تجزیه و تحلیل نمود. تاکنون، پژوهش هایی مستقل درباره دیوانسالاری در دوره سلجوقی صورت گرفته است که از جمله آن ها می توان پژوهش محمدحسین منظورالاجداد (۱۳۸۳) با عنوان "قدرت سیاسی امامیه در دوره سلجوقی" را نام برد که در آن

بیشتر بر خاندان مزید تاکید شده است؛ عباس اقبال (۱۳۸۴) موضوع "وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی تا دوران سلطان سنجر" را به صورت زندگینامه، در کتابی به همین نام بررسی کرده و عباس سرافرازی (۱۳۹۴) پژوهشی مبنی بر "نقش وزرای شیعی در دوره سلجوقیان ایران و عراق" انجام داده که قسمت عمده آن تاکید بر سلاجقه عراق است، که در این پژوهش به این مهم دست یافته که نهاد وزارت در دوره فرمانروایی سلجوقیان از اهمیت بسیاری برخوردار بود و خواجه نظام الملک به صورتی در خورتوجه، سبب افزایش قدرت این نهاد شد. شیعیان در راستای تحقق یافتن اهداف مذهبی شان درصدد برآمدند بر بعضی نهادهای حکومتی از جمله وزارت دست یابند و بدین سبب با دولت سلاجقه با وفق و مدارا رفتار می کردند. روش مورد استفاده در این پژوهش براساس هدف، در زمره پژوهش های توسعه ای بوده و از نظر روش شناسی، تحلیلی-تاریخی است؛ چرا که می کوشد بر مبنای دستاوردهای آیکونولوژی، رابطه بین فرهنگ و مذهب با نقوش در سکه ها را بیابد. تحلیل آنها براساس منابع کتابخانه ای و پژوهشهای میدانی صورت گرفته است. در این پژوهش، روش آیکونولوژی انتخاب شده است که با پژوهش درباره سکه های سلجوقیان ایران و روم با رهیافتی شمایل شناسانه، پیوند میان درونمایه اثر و فرم را پدیدار می کند. بر این پایه، به سکه ها به عنوان متن تصویری نگاه می شود. تجزیه و تحلیل نقشمایه روی سکه ها با استفاده از منابع و مقالات متعدد

تاریخی با مطالعه موردی المانهای تصویری بررسی شده است.

۱. فلسفه مذهبی در دوران سلجوقی

نقطه اوج سلجوقیان ایران به طور تقریبی از قرن پنجم تا ششم ه.ق تداوم می یابد؛ مقارن با این دوره، اقلیت های مذهبی از جمله مسیحی و یهودی در فضای سیاسی و فرهنگی تازه ای که حکومت غزنوی و بعضی از متحجران دینی تحت حمایت آنان که در اواخر سده چهارم ه.ق ایجاد کرده بودند، وارد یک عصر بحرانی شده و از طرف دیگر فعالیت اسماعیلیان نیز در ابعاد جدیدی رو به رشد نهاد. در نیشابور نیز، شافعیان، حنفیان، کرامیان و دیگر فرقه ها با یکدیگر توافق نظر نداشتند و رقابتی خصمانه برای کسب قدرت سیاسی و اجتماعی بین آنان به وجود آمد. پیامدهای این رویداد، مهاجرت و تبعید علما بویژه بزرگان مذهب شافعی و شیعی از وطن، ترور و کشتار گروه های مذهبی مخالف بود که جامعه را با تشنج های فکری، جو نا آرام اجتماعی - مذهبی و مشکلات اقتصادی مواجه نمود (اسکندری راد، ۱۳۹۴: ۵۱). در این دوره، سلطنت از سه مولفه بسیار مهم تاثیر پذیرفته بود: ۱) میراث سیاسی ایران باستان (در حوزه اندیشه سیاسی و ساختارها)، ۲) شریعت اسلامی، ۳) آداب و رسوم قبیله ای ترکان صحراگرد. فرهنگ سیاسی ایران باستان که بر الگوی سیاسی متمرکز و قدرت سیاسی مطلق و فرمانبرداری مردم از شخص حاکم تاکید داشت، با مجموعه تلاش

های دیوان سالارانی چون نظام الملک طوسی با شرایط سیاسی که در دوران سلجوقیان پدیدار شده بود، انطباق یافته و عناصر متفاوت سیاسی مانند روابط سلطان و خلیفه عباسی در بستر آن، به شکل متفاوتی از گذشته، تعریف گردید (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۲). در این دوره با تعریف نظریه سلطنت مطلقه و نظام سیاسی متمرکز، سلاطین سلجوقی قادر به برقراری روابط ضروری و مناسب با دو مولفه دیگر قدرت، یعنی شریعت اسلامی و قبایل ترک شدند. در دوره سلجوقیان آموزه یگانگی دین و دولت حاکم بود که بر اساس آن وظایف متعدد دینی بر عهده حکمران مسلمان قرار داشت که از طریق ایفای آن، جامعه ای محقق می شد که در آن مسلمانان در امنیت می زیستند و دین نیز تقویت می گردید. بر این اساس روابط سلطنت سلجوقی با خلافت عباسی تعریف می گردید. کلیه امور، اعم از دینی و دنیوی، به سلطان مربوط می شد. خلیفه در مسائل مربوط به ارشاد، وصایای شرعی، عبادات و رهبری دینی، مرجع عالی جامعه اسلامی باقی ماند و با تأیید قدرت سلطان به آن اعتبار شرعی می بخشید (لمبتون و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۰۸). عملکرد سلجوقیان بزرگ در اجرای سیاست اعاده حیثیت به خلفای عباسی و حمایت مذهب رسمی در قلمروشان، موقعیت نهاد خلافت عباسی را در جامعه اسلامی ارتقا داد. ورود سلجوقیان که مقارن با انحطاط سیاسی آل بویه در غرب ایران بود، احیای مجدد مذهب تسنن و خلافت عباسی را به دنبال داشت. در نتیجه

تحمیل می‌کرد. اغلب بخشی از سردمداران جامعه اهل سنت تمایل داشتند سرنوشت شیعیان امامیه را با وضعیت اسماعیلی گره زده و از فرصت‌های پیش‌آمده برای تحت فشار قرار دادن، سرکوب و حتی حذف رهبران با نفوذ شیعه امامیه در شهرها و نواحی مختلف استفاده کنند. برطبق شواهد سکه‌شناسی بیش از ۹۰ درصد مسکوکات این دوران را سکه‌های طلا تشکیل می‌دهد. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که نظام مالی سلجوقیان چگونه و به چه میزان در مسکوکات فلزی آنها انعکاس یافته است و علت این که فراوانی نسبی مسکوکات این دوران را دینار یا طلا تشکیل می‌دهد چیست و آیا این امر نشان‌دهنده این است که اقتصاد پولی این دوران از شرایط مناسبی برخوردار است؟ سلجوقیان با ذوب مسکوکات و فلزات قیمتی که از مالیات‌ها و غنایم فتوحات حاصل می‌شد، می‌توانستند سکه‌های مخصوص با عیار طلای بالایی ضرب کنند، که به نظر نمی‌رسد این امر نشان‌دهنده این باشد که وضعیت اقتصادی این دوران از شرایط مناسبی برخوردار بوده باشد. همه این سکه‌ها دارای فرمول و صورت بندی اهل سنت بودند و بر رهبری روحانی خلافت عباسی صحنه گذاشته و نام خلیفه زمان که نشانه‌ای از حمایت حاکم و سلطان از مذهب تسنن بود، در کتیبه‌های آنان ذکر شده است (قاسمی اندرود، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

سلجوقیان به رغم وسعت قلمرو امپراتوری شان، هرگز مانند امویان و عباسیان، مسکوکات شاهی یکپارچه‌ای به وجود نیاوردند بلکه بیشتر از الگوهای

مساعی سلاطین و وزرای سلجوقی، مرجعیت معنوی خلافت عباسی در جامعه اهل تسنن اعاده و تقویت گردید (نمودار ۱). مذهب حنفی که در حوزه فقه بیشتر بر عقل‌گرایی تاکید می‌ورزید، از دوره سامانیان در ماوراءالنهر پیروانی یافته و در مناطق مرکزی ایران مانند ری نیز متداول شده بود و در حدود شهر بغداد و دمشق گسترش یافت. مذهب حنفی چون از سوی سلاطین سلجوقی پذیرفته شده بود از حمایت بسیاری برخوردار بود، به گونه‌ای که مناصب ائمه جماعات، قضات و خطابه بیشتر به حنفی‌ها سپرده می‌شد. تلاش‌های خواجه نظام الملک طوسی در تلطیف فشارها علیه شافعیان و برقراری تعادل بین اشعریان و شافعیان نیز موثر واقع گردید. تشیع پیش از آنکه در قرن دهم ه.ق به مذهب رسمی یک واحد سیاسی نظام یافته یعنی ایران صفوی بدل شود، صرفاً از مراکز مقاومت گسترده‌ای تشکیل شده بود، نوعی جوشش عقاید که به زحمت می‌توان ناحیه جغرافیایی مشخصی را به آن اختصاص داد. این مراکز به هیچ وجه محدود به ایران، که در دوران سلجوقیان بیشتر کشوری سنی‌مذهب محسوب می‌شد، نبودند (بوسانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۶). در ارتباط با شیعیان، حضور تعدادی از دانشمندان با نفوذ شیعی در جامعه اسلامی، سلاجقه را در اتخاذ سیاست دینی بی‌تفاوت به عنصر شیعی تحت فشار قرار می‌داد. همچنین سیاست دینی سلجوقیان از جنبش شیعیان اسماعیلی در جهان اسلام نیز به شدت متأثر بود. این امر پیچیدگی بیشتری را به سیاست دینی سلجوقیان

عراق در مقایسه با حوزه‌هایی مانند خراسان و کرمان است. شواهد این امر نیز در زمینه رکود تجارت، عیار و وزن پایین سکه های ضرب شده و رواج گسترده نظام اقطاع در اشکال ملکی و به ویژه حکومتی در قلمرو سلجوقیان عراق بوده است، در حالی که در حوزه‌های کرمان و خراسان بنا به علل و شرایط خاص، تجارت به نسبت رونق بیشتری داشت و وزن و عیار سکه ها بیشتر و میزان و نوع اقطاع رایج بسیار کمتر از بخش های مرکزی و غربی قلمرو بوده است (نمودار ۲).

۲. مطالعه موردی سکه های سلجوقیان ایران

روی سکه: لا اله الا الله وحده لا شریک له القائم به امر الله، بالای سکه: کمان و تیر داخل تمغا، حاشیه داخلی: بسم الله هذالدینار به الری سنه اربعین و اربعه. حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و یوم الدین یفرهو المؤمنین به نصر الله، «همه‌ی کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد [از این شکست و پیروزی] و در آن روز، مؤمنان [به خاطر پیروزی دیگری] خوشحال خواهند شد.» سوره ۳۰ (الروم)، آیه ۴ و ۵، پشت سکه: محمد رسول الله / السلطان المعظم / شاهنشاه / طغرل بیک / ابوطالب. بالا: کمان و تیر در تمغا. حاشیه پشت سکه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳). علامت مشخص تیر و کمان در بالا روی سکه های سلجوقی، نماد سلجوقیان بزرگ محسوب می شود (تصویر ۱)

بهره گرفتند که پیشتر توسط آل بویه، آل کاکویه و غزنویان به کار رفته بود. از این رو مهم ترین ویژگی سکه های ایشان منطقه ای بودن آنها است که این خود نیز بازتابی از اوضاع عمومی اقتصادی نواحی عمده تحت سلطه آنها بود. یکی از سلجوقیانی که مسکوکات زیادی ضرب کرد؛ طغرل بیک بود. وی توانست مهم ترین ضرابخانه‌های امپراتوری یعنی نیشابور، ری، اصفهان و بغداد را صاحب شود. در اواخر دوره سلجوقی، کاهش در سکه‌ها به وجود آمد که بر اثر مشکلات ساختاری درون دولت سلجوقی بود تا آنجا که یک دیوان مرکزی که بتواند معیار هماهنگ و یکپارچه ای در ضرب سکه داشته باشد و بر تولید آن نظارت کند، نداشت (قاسمی اندرود، ۱۳۸۸: ۱۱۳). حاکمان، شهرهای قلمرو حکومتی خود را مستقیماً اداره نمی کردند، بلکه با کمک اعضای خانواده، امرای سپاه یا حاکمان محلی و قدرتمند نیمه مستقل هدایت مینمودند و بعضی از این افراد نام خود را پس از نامه خلیفه و ارباب اصلی شان روی سکه های خویش نقش می‌زدند. رواج دینار در بین مردم عادی جامعه و در فعالیت های مرسوم تجاری روزمره محدود بود و در معاملات، بیشتر مسکوکات مس که به قرطاس مرسوم بوده است، رایج بود. برای مثال از دوره سلطان ملکشاه به دلیل کمبود طلا اقدام به ضرب گسترده سکه‌های نقره و مس کردند. باید به این نکته اشاره کرد با بررسی عیار و وزن سکه های سلجوقیان، رکود بیشتر اقتصاد پولی در بخش های غربی قلمرو به ویژه در حوزه‌های

ترکی زبان نام او «آپ» تلفظ می شود (تصویر ۳). روی سکه: لا اله الا / الله وحده / لا شریک له و بالا ملک، پایین کلمه شاه، راست قتلوق، چپ باک «لا اله الا الله، بی همتا، شریک ندارد، مالک شاه قطب بیگ». حاشیه: (بسم الله) هذالدینار بی شیراز سنه اربع و ثلاثین و اربعه. پشت سکه: محمد/رسول/الله، بالا المقتدی، پایین به امر الله «محمد رسول الله مقتدی به امر الله است». حاشیه: (محمد رسول الله) ا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳) (تصویر ۴). سومین فرمانروای بزرگ سلجوقی، ملک شاه بن آلپ ارسلان، به پیروزی های پدرش ادامه داد. وی در هجده سالگی به سلطنت رسید و از راهنمایی و نصیحت حکیمانه وزیر پدرش نظام الملک بهره مند شد. در این زمان، سرزمین سلجوقیان به بیشترین حد خود رسیده بود. در ولایات شرقی تا حدودی صلح برقرار بود و در پی نبرد ملازگرد زمانی که آلپ ارسلان شکستی فاجعه بار بر نیروهای امپراتور بیزانس وارد کرد، سلجوقیان توانستند تا نفوذ خود را به سوریه و آناتولی گسترش دهند. مالک شاه نیز خود را قهرمان اسلام سنی می دید و تمام تلاش خود را برای جلوگیری از گسترش قدرت فاطمیان شیعه انجام داد. در نگاه اول این سکه که در شیراز ضرب شده است، به نظر می رسد که بر عقاید اهل سنت مالک شاه تأکید می کند، زیرا شبیه دینار دوره اول عباسیان در مصر در زمان سلطنت مأمون ضرب شده است. با این حال، نگاه دوم نشان می دهد که کاملاً

روی سکه: در دایره: عدل / لا اله الا الله / وحده لا شریک له / القائم به امر الله / تاج الملوک / ابوکلیجار. حاشیه داخلی: بسم الله دوریبا هذالدینار بی الری سنه خمس و اربعین و اربعه، حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و يوم الدين يفرهو المؤمنین به نصر الله، سوره ۳۰ (الروم)، آیه ۴ و ۵، پشت سکه: محمد رسول الله / السلطان المعظم / شاهنشاه / طغرل بیگ / ابوطالب، بالای سکه: کمان و تیر تمغا، حاشیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳) (تصویر ۲). روی سکه: عدل / لا اله الا / الله وحده / لا شریک له / القائم به امر الله. حاشیه داخلی: بسم الله رب هذالدینار بی الاهواز سنه ثمان و خمسين و اربعه، حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و يوم الدين يفرح المؤمنین به نصر الله، سوره ۳۰ (الروم)، آیه ۴ و ۵، پشت سکه: الله / محمد رسول الله / السلطان المعظم / شاهنشاه / ملک الاسلام / الب ارسلان، حاشیه سکه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳). این سکه در ضرابخانه الاهواز، پایتخت خوزستان، که همراه با البصره، اصلی ترین شهر تجاری در راس خلیج فارس بود، ضرب شد. آلپ ارسلان در آن به وضوح قدرت و اعتبار خود را به عنوان "سلطان عالی، شاه شاهان، پادشاه اسلام" بیان می کند. در کتیبه روی سکه های او نام او به عنوان الب درج شده است، زیرا عربی فاقد حرف «پ» است، اما برای فارسی زبانان و

صلی الله علیه و آله / جلال الدوله / مالک شاه؛ از راست به بالا فخرالدین، به چپ به سمت پایین، ابوالعباس. حاشیه: (محمد رسول الله) ا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳) (تصویر ۵). این دینار کمیاب توسط خلیفه ای که ضرابخانه مدینه السلام را کنترل می کرد، ضرب شد. چون نمی دانست محمود بن ملک شاه چهار ساله یا برکیاروق برادر ناتنی دوازده ساله اش را باید به عنوان حاکم بعدی شناخت، آن را به نام ملک شاه زد، اما فقط عنوان خلیفه را به او اعطا کرد. جلال الدوله (شکوه دولت). او همچنین بر روی سکه تصریح کرد که وارث برحق او فخرالدین ابوالعباس است که بعداً خلیفه المستظهر شد. روی سکه: الامام / لا اله الا الله / وحده لا شریک له / المستظهر بالله / امیرالمومنین، حاشیه داخلی: بسم الله هذا الدینار به مدینه السلام سنه خمس و تیسین و اربعه، حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و يوم الدين يفرهو المؤمنین به نصر الله، سوره الروم، آیه ۴ و ۵، (تصویر ۶). پشت سکه: لله / محمد رسول الله / صلی الله علیه و آله / غیاث الدنیا / والدین محمد، از راست به بالا: امت الدین، چپ به سمت پایین: ابومنصور؛ حاشیه: (محمد رسول الله) ا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (سوره توبه، آیه ۳۳). ابن الاثیر مورخ در توصیف وقایع سال ۴۶۲ ه. ق نقل می کند که سلطان آلپ ارسلان ضرابخانه مدینه السلام را برای کنترل مستقیم خلیفه بازگرداند. این حرکت به

متفاوت است. این سکه ای است از نوع ناشناخته ای که قبلاً به نام مالک شاه و والی شیراز، فخرالملوک قطب بیگ، یکی از پسران نظام الملک، ضرب شده است. معروف است که ضرابخانه شیراز در زمان های دیگر، به ویژه در زمان آل بویه، بسیار فعال بوده است، اما سکه های سلجوقی به ندرت در آنجا ضرب می شده است. در حالی که اکثر آنها از قراردادهای ضرب سکه طلای سلجوقی پیروی می کنند و به مالک شاه القاب سلطان المعظم (سلطان مقتدر)، معزالدین (تقویت کننده ایمان) و ابوعظم را می دهند. ابوالفتح ("پدر پیروزی")، در این سکه، از القاب خود سلب شده و به سادگی ملک شاه نامیده می شود. نام والی او در روی سکه قوتلوق بیگ با نام خودش و استثنائاً نام خلیفه مقتدی در پشت سکه آمده است. بعدها، در زمان برکیاروق، پسر ملکشاه، قوتلوق بیگ لقب افتخاری خود، فخرالدوله ("شکوه دولت") را به سکه های خود اضافه کرد. در این سکه، قوتلوق بیگ ممکن است عقاید سنی خود را به نمایش گذاشته باشد، اما ممکن است با نشان دادن نام آنها به شکلی که در سکه های گذشته دور دیده می شد، درجات برابری بیشتری را با مالک شاه، اربابش، ابراز کند. روی سکه: لا اله الا الله / وحده لا شریک له / الامام المقتدی / به امر الله / امیرالمومنین، حاشیه داخلی: بسم الله هذا الدینار بی مدینه السلام سنه سیت و ثمانین و اربعه، حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و يوم الدين يفرهو المؤمنین به نصر الله، سوره ۳۰ (الروم)، آیه ۴ و ۵، پشت سکه: لله / محمد رسول الله /

یکی از برادران و سپس دیگری بر روی سکه مدینه السلام شد. بدیهی است که این وضعیت بسیار ناخوشایندی بود که تا زمان مرگ برکیاروق در سال ۴۹۸ ه.ق، زمانی که محمد رئیس بلامنازع خانواده شد، حل نشد. نام «عمده الدین ابومنصور» ستون ایمان، پدر پیروزی» در پشت این سکه به وارث خلافت عباسی، المسترشد بالله آینده اشاره دارد. روی سکه: در دایره مرکزی، سنجر بن / ملکشاه، در مرکز خطوط دوتایی: بالای داخلی: محمد رسول الله، قسمت راست داخلی: السلطان، قسمت چپ داخلی: المعظم ابوالحارث، زیر داخلی: معزالدین والدین، راست بیرونی: شاهنشاه الاعظم ملک، بالای بیرونی: الرقاب مولا العرب، پایین بیرونی: سلطان الارض [سیک] الله مالک، بیرونی سمت چپ: والعجم نصیر دین الله محمد رسول الله، سلطان مقتدر، پدر شیر، نیرومند جهان و ایمان، پادشاه عالی رتبه پادشاهان، پادشاه مردم، پروردگار اعراب و پارسیان، فرمانروای زمین خدا، پادشاه مدافع دین خدا. حاشیه بیرونی: اکثرا خارج از زمین ... دینار بی بلخ سنه تیس...»... دینار در بلخ سال نهم...» در نمونه دیگر منتشر شده از این سکه نام خلیفه المسترشید آمده است. وی از ۵۱۲ تا ۵۲۹ ه.ق، خلیفه بود. پشت سکه: (سوره بقره، آیه ۲۵۵). الامام المسترشید بالله (امیرالمومنین)، امام المسترشید بالله امیرالمومنین (ع) (تصویر ۷). سنجر، یکی دیگر از پسران متعدد ملکشاه، هم طولانی‌ترین و هم آخرین پادشاه سلجوقی بود. او ابتدا بین سالهای ۴۹۰ تا ۵۱۱

خلیفه اجازه داد که بیش از نام سلطان را در ضرب سکه مدینه السلام و نیز کنیه ای که خلیفه به او اعطا کرده بود، در این مورد غیاث الدین والدین (مدافع الدین)، (مدافع دنیا و ایمان) درج نکند. هر گاه خلیفه معلوم نبود که کدام یک از سلجوقیان بزرگ واقعاً قدرت را در دست دارد، از نام بردن هر یک از رقیبان که برای تاج و تخت رقابت می کردند، صرف نظر می کرد. به این ترتیب نمی توان او را به حزب گرایی در رقابت درونی مدعیان رهبری متهم کرد. پس از مرگ ملکشاه در سال ۴۸۵ ه.ق، بیوه وی ترکان خاتون سعی کرد از دشمنان نظام الملک وزیر ملکشاه که در همان سال توسط اسماعیلیان کشته شده بود، کمک بگیرد. به پسر چهار ساله وی محمود، خلیفه مقتدی با اکراه نشان افتخاری نصیرالدین والدین ("مدافع جهان و ایمان") داد. محمود در اصفهان سلطنت کرد، جایی که مادرش کنترل خزانه های سلطنتی را در دست داشت. او از ذخایر بزرگ پول نقد و گنج برای خرید حمایت نظامی از نامزدی محمود استفاده کرد. با این حال، حزب رقیب که از طرفداران سابق نظام الملک تشکیل شده بود، اسلحه هایی را که او در اصفهان ذخیره کرده بود، تصرف کرد و به الری برد، جایی که برکیاروق بن مالک شاه دوازده ساله به عنوان حاکم شناخته شد. نه تنها بین پسران ملکشاه و حامیان آنها رقابت وجود داشت، بلکه بسیاری از پسران نظام الملک نیز در این منازعات طرف مقابل گرفتند. بین سالهای ۴۹۱ تا ۴۹۸ ه.ق، برکیاروق و محمد بن مالک شاه، با یکدیگر درگیر شدند که منجر به نامگذاری

/ قره ارسلان بیگ، بالا: طمغا قره ارسلان، کمانی که تیری به سمت بالا دارد. حاشیه داخلی: بسم الله دوریبا هذاالدینار به بردسیر فی سنه احدہ و خمسین و اربعه، حاشیه بیرونی: الله الامر من قبل و من بعد و یوم الدین یفرهو المؤمنین به نصر الله، سوره الروم، آیه ۴ و ۵. پشت سکه: محمد رسول الله / صلی الله علیه و آله / القائم به امر الله / عمادالدوله؛ حاشیه سکه: (محمد رسول الله) ا هُوَ الَّذِي اُرْسَلَ رَسُولُهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره توبه، آیه ۳۳)(تصویر ۸) روی سکه: لا اله الا الله / وحده لا شریک له / المقتدی بی امر الله / شاهنشاه، بالای سکه: کمان و تیر داخل تمغا (مهر)، حاشیه روی سکه: بسم الله دوریبا هذا الدینار به جیرفت سنه سبع و ثمانین و اربعه، پشت سکه: محمد رسول الله / صلی الله علیه و آله / محی الدین و الدوله / تورانشاه بن قره ارسله / نبگ؛ بالا: کمان و تیر داخل تمغا (مهر)؛ حاشیه سکه: الله الامر من قبل و من بعد و یوم الدین یفرهو المؤمنین به نصر الله، سوره ۳۰ الروم، آیه ۴ و ۵، (تصویر ۹). تورانشاه تا زمان مرگ ملکشاه در سال ۴۸۵ ه.ق به فرمانروایی حاکم سلجوقی بزرگ بر روی سکه اش اعتراف کرده بود و به او لقب افتخاری معزالدین (تقویت کننده ایمان) داده بود، اما روی این سکه روشن می کند که او اکنون کاملاً مستقل است و خود را شاهنشاه (پادشاه شاهان) ملک الملوک می نامد. روی سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله / صلی الله علیه و آله / (ابیش) بنت (سعد) «لا اله الا الله، محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم. حاشیه روی

ه.ق به عنوان والی خراسان خدمت کرد و سپس تا زمان مرگش در سال ۵۵۲ ه.ق بر شمال ایران و خراسان فرمانروایی کرد. سلطنت طولانی شصت ساله در هر مکان یا زمانی استثنایی است، اما در قرون وسطی کاملاً افسانه ساز بود. همانطور که از خواندن عناوین روی سکه هایش می توان فهمید، او در ادعاهایی که برای خود می کرد متواضع نبود. با این حال، به عنوان فرمانروای همه حاکمان سلجوقی در ایران، عراق و سوریه، غزنویان در افغانستان و هند، و قراخانیان و خوارزمشاهان آسیای مرکزی، دلیلی برای مهار خود نمی دید. مثلاً در این دینار، او را السلطان المعظم ابوالحارث، معزالدینا والدین، شاهنشاه الاعظم مالک، الرقاب مولا نام برده اند. - عرب والعجم، سلطان الارض الله، ملک نصیر الدین الله، که به معنای سلطان مقتدر، پدر شیر، مقتدر در جهان و ایمان، شاه عالی پادشاهان، پادشاه است. از مردم، پروردگار اعراب و پارسیان، فرمانروای زمین خدا، پادشاه مدافع دین خدا». این نیز یکی از سکه های نادری است که بخشی از سوره ۲ (بقره) آیه ۲۵۵ «آیه عرش» را که نماد سلجوقی در نظر گرفته شده است، بر روی خود دارد. هنگامی که قدرت از دست سلجوقیان خارج شد، آنها به تدریج با احیای خلافت عباسی که مدت ها تحت الشعاع قرار گرفته بود، به یک طرف رانده شدند. در نهایت، امپراتوری سنجر به دلیل تحمل فشار مالی ناشی از مقاومت در برابر حملات قره خیتای غرب چین، متلاشی شد. روی سکه: لا اله الا الله / وحده لا شریک له / الملک العادل

بود که برای کمانگیران قائل می شدند. در این دوران، تیراندازی با کمان، نه تنها به عنوان یک تاکتیک جنگی، بلکه از نظر فرهنگی و اعتقادی نیز جایگاه مطلوبی داشت. یکی از مهم ترین عوامل این فرآیند، توصیه ها و تاکید بزرگان دین اسلام به فراگرفتن امر تیراندازی است. رسول اکرم می فرماید؛ حق فرزند(پسر) بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید. همچنین امامان شیعه، خود در تیراندازی زبانزد خاص و عام بوده اند؛ چنانکه در روایتی، از مهارت تیراندازی امام محمد باقر(ع) در مجلس هشام سخن به میان آمده است (پاینده، ۱۳۵۶: ۲۹۳). امام جعفر صادق(ع) نیز می فرماید؛ تیراندازی خود، تیری از تیرهای اسلام است. اگر مسلمانان تیراندازان خوبی باشند، می توانند با دشمنان اسلام مبارزه کنند و دشمن نیز از آنها خواهد ترسید و فکر حمله به آنها را به مغز خود راه نخواهد داد(حرعاملی، ۱۳۸۵: ۳۴۸). هر چند در اوایل این دوره، به ویژه در دوره عباسی، تکنیک منجنیق، از مهم ترین سلاح های سپاه اسلامی به شمار می آمد(هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۶) و نقش مهمی در فتوحات سرزمین های غربی اسلامی داشت، اما مهارت در تیراندازی نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بود.

مسلمانان، سلاح های جنگی مختلفی را در ناوگان دریایی ارتش خود به کار می بردند؛ مهم ترین سلاح دریایی آنان، کمان بزرگی بود که بر عرشه کشتی

سکه: محمد رسول الله ارسله... پشت سکه: قآن / پادشاهی عالم / ایلخان الاعظم / ابقا خلّاده / ... (الله ملکاهو) «حاکم بزرگ جهان، اعلی ایلخان، اباقا، (خداوند) (حاکمیت او) را مستدام فرماید». حاشیه پشت سکه: (بسم الله الربّه) حدالدینار بی در الملک... (تصویر ۱۰). آیش خاتون، یکی از محدود فرمانروایان زن در تاریخ اسلام، همیشه ضرب سکه های خود را به نام خود، اما بدون عنوان، می زد و از ایلخان سلطنتی به عنوان ارباب خود نام می برد. در حالی که سکه های طلای پیشینیان او از طلای فزاینده ای ضرب شده بود، سکه های او از طلای بسیار ظریف تر ضرب می شد.

۳. شمایل نگاری و شمایل شناسی سکه های

سلجوقیان ایران

تیر و کمان، تنها عنصر شاخص تصویری در بررسی سکه های سلجوقیان ایران شناسایی شده است. کمان در اسلام، با قدرت باری تعالی هم ذات می شود و کاربرد تیر، نابود کردن شر و جهل است (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۶۰۳). با توجه به آیه ۸ سوره جن به نظر می رسد در دوره اسلامی، تیر، سمبل شهاب های آسمانی بوده و این پدیده، با استفاده از مفاهیم نمادین در پیوند با نجوم بیان شده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که از این ابزار، برای بیان تعابیری در مبارزه با سرما و گرما و تغییر فصول استفاده می شده است. یکی از خصوصیات تیراندازی در دنیای اسلام، حرمت و ارزش والایی

نصب می شد و با آن، کشتی های دشمن را منهدم می کردند. عباسیان در تیراندازی بسیار ماهر بودند تا جایی که سه مکتب تیراندازی در این زمان پدیدار شد (مناظر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۶۷). همچنین در این زمان، کمان، شکلی گسترده و فنی تر به خود گرفته و در گروه ادوات سنگین جنگ قرار می گیرد؛ مانند قوس های سنگین الزیبار و قوس الجرخ. از مباحث مهمی که در دوران اسلامی به ویژه در قرون اولیه اسلامی مورد توجه قرار گرفت، موضوع نجوم بود. نجوم و ابزار نجومی در این دوران به دلیل ضرورت و نیاز در زندگی مسلمانان؛ نظیر آگاهی از اوقات شرعی، جغرافیا و طالع بینی، به یکی از مهم ترین پدیده های علمی تبدیل شد. برج قوس در کتاب صور الكواكب (تصویر ۱۱) و در نگاره ای از نسخه مونس الاحرار (تصویر ۱۲) را به شکل موجودی نیمه انسانی - نیمه حیوانی و در حال تیراندازی با کمان به سمت موجودی افسانه ای می بینیم. آن چه که در این تصاویر قابل توجه و تأمل است، پیوند اسطوره با پدیده نجوم بوده که در مفاهیم نمادین جلوه نموده است. نقوش نجومی و صور فلکی در دوره سلجوقیان، برای تزئین ظروف فلزی و سفالی استفاده می شدند. در یک آبریز متعلق به این دوره، مفاهیم و اشکال صور فلکی و برج های دوازده گانه در دوازده نوار یا شیار عمودی ترسیم شده اند. هنرمند صنعتگر به زیبایی هر چه تمام تر، این اشکال نمادین را داخل ترنج های دایره گون حکاکی کرده است (تصویر ۱۳). همچنین در یک قلمدان برنجی، نقوش

نجومی با تداعی برجهای دوازده گانه، هر یک در دایره ای برزمینه ای از نقوش گیاهی و اسلیمی پیچان، قلمزنی شده اند. برج قوس در هر دو ظرف قلمدان و آبریز، به شکل موجودی با سر انسان، بدن حیوان و کمانی زه شده در حال مبارزه با موجودی افسانه - ای، ترسیم شده است (تصویر ۱۴). به نظر می رسد، تداعی نقش کماندار و حالت تیراندازی او در صورفلکی، نمادی از نگهبان و یا نبرد ایرانیان با ایران بوده است. در سده ششم هجری، کمان فولادی، یکی از کمان های کاربردی در زمان جنگ به شمار می رفت. کاربرد این کمان تا پیش از اواسط سده ششم هجری قمری، در میان مسلمانان مرسوم نبود و پیش از این تاریخ نیز آن را برای محاصره قلعه ها و تیراندازی از فراز کشتی مناسب می دانستند، نه برای پیاده نظام. این نوع کمان را به راحتی نمی توانستند به کار گیرند؛ کشیدن زه آن نیروی زیادی لازم داشت و تیراندازی از پشت اسب، کاری پر دردسر بود. این نوع از کمان، دارای رکابی بود که یک تیرانداز یک پای خود را در آن می گذاشت و زه را به وسیله قلابی که در انتهای یک قطعه طناب محکم استوار می شد، می کشید (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲).

۴. مذهب سلجوقیان روم

ترکمانان آناتولی با ورود به آسیای صغیر نشانه هایی از گذشته شمنی و اعتقادات خود را وارد این سرزمین کردند، اما این ترکمانان نهایتاً از هواداران سرسخت یکی از مذاهب تسنن یعنی حنفی شدند. شایان ذکر

سده هفتم هجری شتاب بیشتری گرفت و آن زمانی بود که بهاءالدین ولد و فرزندش جلال‌الدین از یک خاندان دین‌دار، عارف و کهن بلخ، وارد شهر قونیه شدند. سلطان کيقباد اول، بهاء‌الدین ولد را به پایتخت خود فراخواند، اما وی آنجا چندان نماند؛ در حالی که فرزندش جلال‌الدین بیشترین ایام خود را در قونیه سپری کرد و مثنوی معنوی خویش را در آنجا سرود. بدین ترتیب پایتخت سلجوقان روم؛ یعنی قونیه کانون طریقت مولویه شد و سلطان ولد فرزند مولوی به گسترش آن همت گماشت و آرامگاه جلال‌الدین رومی در این شهر کعبه آمال و آرزوهای صاحبان زهد و عبادت شد (باسورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۲۹). سنن و سلوک مذهبی یاد شده در شکل‌گیری تسنن رسمی و مسلط آناتولی تأثیر به‌سزایی داشت. اما در سطح عامیانه و نه چندان فرهیخته، عقایدی وجود داشت که از شمنیسم ترکان به‌ویژه ترکان حومه شهرها مایه می‌گرفت. کمی هم باید درباره ترکیب ادیان بزرگ در آناتولی به‌خصوص دو دین اسلام و مسیحیت صحبت کرد. درباره چنین موضوع مهم و حساسی نمی‌توان به نتایج قاطعی دست یافت؛ ولی چنین می‌نماید که برخی از سلاطین همچون کيقباد اول از سلاطین آسان‌گیر و روشن‌ضمیری بوده‌اند و از ترکیب ادیان و مذاهب در قلمرو حکومتی خویش آگاهی داشته‌اند. در قونیه ارمنیان و یونانیان زندگی می‌کردند و یونانیان در آنجا صومعه‌ای به نام سن چریتون داشتند؛ علاوه بر این‌ها می‌توان به حضور یهودیان در قونیه نیز اشاره کرد. از

است که در میان سلجوقیان روم تا سده هفتم هجری نوشته‌های خلاقیتی در زمینه کلام و فقه پدید نیامد و ترکان آناتولی از میراث عظیم تحقیقات غنی و پربار حنفیان خراسان و ماوراءالنهر بهره بردند و این میراث را علمایی که در سده هفتم هجری از مقابل مغولان به طرف غرب فرار کردند همچون یوسف‌بن ابی‌سعید سجستانی در آناتولی رواج دادند (باسورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۸). مؤسسات فرهنگی دین اسلام همچون مدارس و مساجد در آناتولی دیرتر به بار نشست. نخستین مساجد قلمرو سلجوقیان و سلسله‌های ترکمانی چون دانشمندیه، منکوجکی‌ها و سلتوقی‌ها پس از حدود سال ۵۵۰ ه‍.ق ایجاد شد و نخستین مدرسه آناتولی که از کتیبه سردر آن پیداست در سال ۵۸۹ ه‍.ق در قیصریه ساخته شد؛ درحالی که مدرسه در سرزمین‌های ایرانی و عربی حدود دو قرن پیش متدوال شده بود. مدارس و مساجد با تحکیم سلطنت سلجوقیان در سده هفتم در شهرهایی چون قونیه، قیصریه و چند شهر دیگر در آناتولی و از جمله در ماردین عهد ارتوقیا از شکوه و شکوفایی قابل توجهی برخوردار شد (باسورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۲۸). در سرزمین آناتولی بیش از هر چیز و مهم‌تر از همه سنت فرهنگی و معنوی ایران و زبان فارسی توسعه یافت و تأثیرات ایران در دیگر قلمروها، همچون امور دیوانی و درباری گسترش یافت. سلاطین سلجوقی از همان ابتدا تحت تأثیر حماسه ملی ایران نام‌هایی ایرانی مانند کیکاوس، کیخسرو کيقباد برای خود برگزیدند. این فرایند در

نام خلیفه در زمینه و تاریخ آن در حاشیه پشت سکه و نام حاکم در زمینه آن است. آنها به دارالضرب قونیه تعلق دارند. درهم سلجوقیان روم با وزن قدیمی اسلامی یعنی ۲,۹۰ تا ۳,۰۰ گرم نقره خالص همراه با کلمه و نام خلیفه در روی سکه و القاب و نام سلطان در پشت سکه است. بعضی از حاکمان خود را با رهبری روحانی خلافت عباسی تطبیق میدادند و خویشان را مستعین و امیرالمومنین می‌نامیدند. هنگامی که قلیچ ارسلان دوم در سال ۵۸۸ ه.ق از سلطنت کناره گرفت قلمرو حکومتی خویش را بین پسران و دخترش تقسیم و بدان‌ها حق ضرب سکه اهدا کرد. فرزند بزرگتر او غیاث الدین کیخسرو اول که حاکم قونیه بود، سکه هایی با الگو و نقش سکه های پدرش ضرب کرد. فرزند ارشد او رکن‌الدین سلیمان شاه بر روی سکه های مسی خود نقش سوار نیزه دار را قرار داد و این کار را گاهی هم روی سکه های نقره ای و طلایی خود انجام داد. قطب‌الدین ملک‌شاه درهمی نادر ولی قراردادی رایج کرد و معزالدین قیصر شاه هم سکه مسی با نقش نیزه دار و محی‌الدین مسعود سکه‌هایی در آنکارا ضرب کرد که کتیبه العبد الضعیف داشت و مغیث‌الدین طغرل حاکم ارزروم سکه های نقره متعدد رواج داد. پس از مرگ سلیمان شاه در سال ۶۰۰ ه.ق سرزمین های غربی سلجوقی تحت حکومت غیاث‌الدین کیخسرو اول در آمد. سکه های نقره او در قونیه و قیصریه و ملطیه ضرب می شد و او آخرین حاکم سلجوقی است که سکه مسی با نقش سوار نیزه دار ضرب کرده

قرار معلوم رومی‌ها روابط تنگاتنگی با اهل ذمه داشته‌اند؛ در حالی که علمای مسلمان همواره در پی آن بوده‌اند که آنان را به دین اسلام درآورند. در سطح مردم آناتولی در تعدادی از اماکن مقدس مبادلات و مناسباتی میان مسیحیان و مسلمانان وجود داشت و گاه قدیسان طرفین همسنگ برشمرده می‌شدند و محل احترام بودند. یکی از نمونه‌های برجسته سن‌جرج است که همسنگ خضر محسوب می‌شد (باسورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

۵. شمالی شناسی سکه های سلجوقیان روم

مسکوکات سلجوقیان روم از مسکوکات سلجوقیان ایران متفاوت است، قدیمی ترین سکه آنها فلوس مسی بود که رکن‌الدین مسعود اول بن قلیچ ارسلان آن را ضرب کرد و این سکه از روی فلوس بیزانسی ها تقلید شده و نیم تنه تمام رخ سلطان و نام وی در پشت آن نقش بسته بود. سکه های اولیه عزالدین قلیچ ارسلان دوم، شبیه سکه‌های پدرش مسعود اول بود. در سمت راست روی سکه، سواره ای نیزه انداز در حال شکار دیده می‌شد که از شمالی نگاری مسیحی، تصویر سن جرج قدیس جنگجوی کاپادوکیه تقلید شده بود. قلیچ ارسلان دوم، دینارهای طلا و درهم نقره کهن اسلامی را در آناتولی رواج داد و در این زمان زنگیان حلب نیز مسکوکات نقره را در سوریه بار دیگر رایج کردند. قدیمی ترین دینار نقره متعلق به سال ۵۷۱ ه.ق است. هر دو دربردارنده کتیبه های رایج همراه با نام دارالضرب در حاشیه روی سکه و

پادشاهی میرسد، دختر پادشاه گرجستان را به همسری بر می‌گزیند و عاشق زیبایی رخسار او می‌گردد؛ (زیبایی زنان و دختران گرجی در آن زمان شهره شرق و غرب بوده است). وی تصمیم می‌گیرد که نقش چهره او را بر سکه‌ها بنگارد، نزدیکان وی به پاس اسلام او را از این کار باز می‌دارند ولی وی بر تصمیم خود پافشاری می‌کند و در نتیجه تصمیم گرفته می‌شود که خورشید را به کنایه از چهره زیبای آن شاهزاده خانم بر فراز شیر بنگارند که هم دلخواه کیخسرو انجام گرفته باشد و هم مردم به حقیقت ماجرا پی نبرند و پندارند که مقصود، صورت طالع شاه بوده است. ضرب این سکه‌ها در شهرهای قونیه و سیواس، مابین سالهای ۶۳۸ تا ۶۴۴ ه.ق بوده است. (سرجان ملکم، تاریخ ایران، ص ۲۰۰). در تصویر ۱۶، شیر به حالت ایستاده نشان داده شده، صورت آن به طرف چپ است و خورشید هم در همه حال به شکل قرص تمام و با چشم و ابرو و بر بالای شیر قرار دارد (تصویر ۱۶). در باب مفهوم مذهبی این نقش در دین اسلام از دوران سلجوقی به بعد نماد شیعه در اماکن و آثار مذهبی می‌باشد. خورشید نماد پیامبر و شیر در فرهنگ شیعه نماد امام علی می‌باشد. مفهوم مذهبی نقش شیر و خورشید در هنر اسلامی از اواخر دوره سلجوقیان مشاهده می‌شود و به عنوان نماد شیعه شکل می‌گیرد. به خاطر سرسختی و تعصب سلجوقیان نسبت به شیعیان، این نقش به عنوان نماد شیعه در امامزاده‌ها و مراکز شیعی مورد استفاده قرار گرفته است. نقش خورشید به عنوان پیامبر اسلام و

است. عزالدین کیکاووس جانشین او شد و منصور کیقباد در زمان برادرش در توقات به حکومت پرداخت و سکه‌های نقره‌ای و مسی زیبایی با نقش سوار نیزه دار ضرب کرد. سکه‌های کیکاووس اول که کاملاً اسلامی است شکل مربع در دایره داشت که از اشکال محبوب ایوبیان در سکه‌های نقره‌ای دمشق بود. اما از سال ۶۳۸ ه.ق مقادیر زیادی از سکه‌های معروف سلجوقیان را با نقش شیر و خورشید و نام خلیفه بر روی سکه ضرب و رایج شد. شیر با نماد خورشید در ایران اشاره به ساکن شدن قدرت خورشید در آن حیوان دارد (دادور و مینی، ۱۳۸۸: ۴۳). از طرف دیگر شیر یکی از نمادهای مهری است که از جهات مختلف مرتبط با مهر و آیین میتراپیسم شده است و به عنوان نماد میترا، خورشید، آتش، ابدیت و به عنوان نگهبان شناخته شده است. واضح است که هنر اسلامی بسیاری از سنن را بدون تغییر آشکاری از تمدن‌های قبل به عاریت گرفته (کیندرمن، ۱۹۸۶: ۲۴) و با دادن رنگ مذهب به این نمادها دوباره آن‌ها را به کار گرفته است. از تاریخ بیهقی چنین برمی‌آید که نقش شیر بر بیرق‌های غزنویان می‌آمده و ظاهراً سلطان مسعود غزنوی نقش شیر را به عنوان علامت پرچم خود انتخاب کرده بود و از عهد سلطان مسعود غزنوی به بعد، بیشتر سلاطین غزنوی و سلجوقی نقش شیر را بر پرچم‌های خود رسم مینمودند (بیهقی ۱۳۸۶: ۵۶). غیاث الدین کیخسرو (دوم) بن کیقباد پسر علاء الدین کیقباد، از پادشاهان سلجوقی که در سال ۶۳۴ ق به جای پدرش به

دارالضرب و تاریخ آن در حاشیه عوض کرد. قلیچ ارسلان چهارم در شرق، سکه‌هایی در دومین مقطع حکومتی اش تا سال ۶۶۲ ه.ق به نام خلیفه المستعصم ضرب کرد ولی در سال ۶۶۳ ه.ق، درهمی را به نام خلیفه مبهمی به نام الامام المعصوم امیرالمومنین رواج داد. در قسمت های دیگر سکه به جای کلمه خلیفه با عنوان المته لله نام برد. دارالضرب اصلی او سیواس بود. غیاث الدین کیخسرو سوم فرزند قلیچ ارسلان سوم جانشین او شد و سکه‌های او عنوان الملک لله را داشتند. سکه های مسعود دوم معمولاً دارای عنوان العظمی لله بود. پایان مسکوکات سلجوقیان روم در ابهام است. سلطنت در دهه های پایانی سده هفتم و سالهای نخستین سده هشتم هجری در بین کیقباد سوم و مسعود دوم و فرزند او مسعود سوم دست به دست گشت. اما ضرب سکه‌های خام و نامرغوب آنها ارائه سال شماری درست و صحیحی را بر اساس شواهد سکه شناسی ناممکن می سازد. کیکاووس سوم گاهی بر روی سکه‌های خود نقش شیر و یا شیر و خورشید را می آورد که بعضی از آنها در ارزنجان، سیواس و قونیه ضرب شده و سیادت و برتری ایلخان محمود غازان را پذیرفته است. در ربع پایانی سده هفتم سکه های نقره ای و طلایی نایاب شد. ساختار درونی دولت از هم پاشید و حکام محلی برای اعتبار بخشیدن به سکه های خود از نام مسعود دوم و کیقباد سوم استفاده می کردند. سکه‌های کیقباد سوم از وزن معیار درهم های نقره اسلامی تبعیت نمی کرد و وزن آنها به دو نیم گرم رسیده بود. بنابراین بی نظمی در

شیر به عنوان نماد حضرت علی منظور شده است (خزایی، ۱۳۸۲: ۲۳). در مسکوکات سلجوقیان روم نامی از آنها و سیادت آنها ذکر نشده است (بعدها اینکار صورت گرفت). ولی شمار درهم‌هایی که در سال ۶۴۰ ه.ق ضرب شد، کاهش یافت و در سال ۶۴۱ ه.ق، سکه های شیر و خورشید از رواج افتاد. کیخسرو دوم به سکه‌های نوع کتیبه دار روی آورد و در روی آنها خود را ظل الله فی العالم نامید. پیش از حمله مغول، شاه هتوم ارمنستان بین سال‌های ۶۳۷ و ۶۴۰ ه.ق، در ضربخانه سیس، دراهم نقره ای ضرب کرد که دربردارنده نام کیخسرو و نقش یک نفر سواره بود (تصویر ۱۷). یکی از سکه های نقره و طلای ضرب شده در سیواس و قونیه متعلق به عزالدین کیکاووس دوم بود که طرح مربع در دایره و عنوان ظل الله فی العالم داشت. او در سکه‌های تاریخدان سلجوقیان روم در مورد واحدها و دهه‌های سال از اختصار دیوانی نام های عربی در مورد شماره ها بهره گرفت. رکن‌الدین قلیچ ارسلان چهارم با برادرش کیکاووس دوم در افتاد و قدرت مطلقه خود را در سیواس با ضرب آخرین سکه سلجوقیان با نقش سواره به رخ او کشید. الهام هنری این سکه، ایرانی بود و جای قدیس جنگجوی بیزانسی را با تیراندازی ملبس که سواره در حال تیراندازی بود، عوض کرد. کیکاووس پس از سقوط خلافت عباسی در بغداد در سال ۶۵۶ ه.ق، نام خلیفه را تا سال ۶۵۸ ه.ق بر روی سکه‌های خود نگه داشت ولی در این زمان جای آن را به عنوان عزه لله بر روی سکه، همراه با نام

گذاشته اند و نام خلیفه زمان که نشانه‌ای از حمایت حاکم و سلطان از تسنن بود، در کتیبه های آنان ذکر شده است. سلجوقیان به رغم وسعت قلمرو و امپراتوری شان، هرگز مثل امویان و یا عباسیان مسکوکات شاهی یکپارچه‌ای به وجود نیاوردند؛ بلکه بیشتر از الگوهای بهره گرفتند که قبلاً توسط آل بویه، آل کاکویه و غزنویان به کار رفته بود. از این رو مهم ترین ویژگی سکه های آنها، منطقه‌ای بودن آنها است و این نیز بازتابی از شرایط و اوضاع عمومی اقتصادی نواحی عمده تحت سلطه آنها بود. از آنجا که سلجوقیان هوادار مذهب تسنن بودند، روی مسکوکات آنها شبیه مسکوکات خلافت عباسی است. بنابراین متون کتیبه های مذهبی تنوع و چندگونگی را نشان نمی دهد، روی سکه عبارت لا اله الا الله وحده لا شریک له آمده است. در پیرامون آن دو کتیبه حاشیه‌ای نقش بسته، کتیبه داخلی نام ضرابخانه و تاریخ ضرب و کتیبه بیرونی بخش‌هایی از آیات ۴ و ۵ سوره الروم سوره ۳۰ است. پشت سکه دربردارنده عبارت دوم محمد رسول الله است و یک کتیبه حاشیه‌ای هم از آیه ۳۳ سوره توبه (سوره شماره نه) در آن نقش بسته است. از منظر آیکنونوگرافی، نقشمایه های تصویری به کار رفته بر روی سکه های سلجوقیان ایران بر خلاف سلجوقیان روم، بسیار محدود بوده و گویی حاکمان سلجوقی چندان تمایلی به ضرب نمادها و نقوش برگرفته از باورهای مذهبی و فرهنگی بر روی سکه ها نداشتند و تنها نقوش حک شده محدود به چند عنصر

ضرب سکه و کاهش وزن سکه های نقره آناتولی به دوره جانشینان آنها یعنی بیلک ها نیز سرایت کرد و آنها نخست به نام ایلخانان سکه ضرب کردند و سپس به نام خودشان و سکه کوچک نقره‌ای آقچه را رواج دادند که در ربع دوم سده هشتم ه.ق/ چهارده م واحد شمارش پول آناتولی بر شمرده می شد.

نتیجه گیری

در بررسی سکه های اسلامی سلجوقیان ایران نتایج ذیل توسط پژوهشگر حاصل شده است: در سکه های سلجوقیان ایران تنها نقشمایه تصویری، تیر و کمان است که داخل تمغا می باشند و مذهب در قالب شعائر اسلامی که در برخی موارد همچون سکه طغرل بیگ که استراتژی سیاسی اش را با حاکمان آل بویه نشان می دهد، با نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی خاص با استفاده از مذهب و موقعیت سیاسی خلیفه مسلمین بر روی سکه ها ضرب گردیده است. نمایش عقاید سنی در سکه های سلجوقیان ایران و نزاع ها و درگیری های خانوادگی و قبیله ای، محل تاخت و تاز نوشته ها و مطالب سکه های ضرب شده در این دوران می باشد. مانند سکه دینار طلا غیاث الدین ابوشجاع که نشان دهنده منازعات خانوادگی در دربار سلجوقیان بر سر جانشینی می باشد. شاخه های متعدد امپراتوری سلجوقی به ضرب سکه مبادرت می کردند ولی این سکه ها از نظر کمیت و کیفیت متفاوت بودند. همه این سکه ها دارای ساختار مذهب سنی بوده و بر رهبری روحانی خلافت عباسی صحنه

تصویری می باشد. تمایل بیشتر حاکمان سلجوقی، ضرب شعائر مذهبی بر روی سکه ها و در نهایت فضاسازی این آیات و نوشته ها در تمغاهای متفاوت محدود به نقوش هندسی می باشد. سلجوقیان گاهی سکه های دینار ضرب کرده اند که حالت تعویذ دارند، مثل سکه ای از آلپ ارسلان در سال ۴۶۱ ه.ق در مرو که نود و نه نام زیبای خدا در پشت و روی آن نقش بسته است. رایج ترین کتیبه، آیه ۲۵۵ از سوره دوم (البقره) یعنی آیه الکرسی بود که با حروف ظریفی در پشت سکه می آمد. گاهی هم حکاک نام خود را با حروف بسیار ریز در حواشی بیرونی سکه، آن هم سکه های بسیار مرغوب نقش می زده است. کتیبه های غیر مذهبی به غیر از اسم ضرابخانه و تاریخ آن، شامل نام ها و لقب ها بود. نام خلیفه معمولاً در پایین کلمه روی سکه می آمد و اگر فضای سکه اجازه می داد لقب امیرالمومنین او نیز حک می شد. خلیفه بر روی سکه های خود در مدینه السلام لقب الامام داشت و نام ولیعهد او هم به صورت عمودی در روی سکه و یا پشت آن می آمد. بقیه فضای سکه به نام و لقب حاکم ضرب کننده سکه و اربابان او اگر می بود اختصاص می یافت. سلجوقیان برخلاف سامانیان، غزنویان و بویهیان که لقب های آن ها عموماً بر روی سکه هایشان هماهنگ است و بر پایه لقب ها و عنوان هایی است که از خلیفه می گرفتند، در شیوه های سلطنتی شان ناستوار و متناقض بودند. این امر شاید بر اثر عدم تمرکز نظام ضرب پول آنها بود و شاید هم دلیل آن این بوده که سلجوقیان بیشتر به تاثیرات

وسیع می اندیشیدند تا دقت و صحت محدود و بسته. مثلاً طغرل تا سال ۴۳۸ ه.ق/۷-۱۰۴۶ م بر روی سکه های نیشابور، الامیرالاجل و در ری الامیرالسید نامیده شده است. یک نگاه گذرا به فهرست سکه های سلجوقیان، نمونه های دیگری از این عمل را نیز آشکار می سازد. گفتنی است که به طغرل و آلپ ارسلان به غیر از نامهای ترکی، نام اسلامی محمد داده شده که بر روی سکه های آنها ظاهر گشته است. نام طغرل در سکه های شهرری و همدان بین سال های ۴۳۴ و ۴۳۸ ه.ق، محمد بن میکائیل آمده است. آلپ ارسلان در سرتاسر ایام سلطنت خویش در سکه های نیشابور محمد نامیده شد و نسب وی نیامده، در حالی که در همان سکه ها نام ملکشاه، ملکشاه بن محمد آمده است. سلجوقیان بزرگ بعدی هم فرزند ملکشاه ذکر شده اند، ولی بر روی سکه های خلیفه در بغداد از نام و نسب آنها خبری نیست. سرانجام باید گفت که در سکه های طغرل و آلپ ارسلان و ملکشاه به خصوص در پشت و روی آنها و یا در هر دو تمغای سلجوقیان یعنی تیر و کمان نقش بسته است. در سکه های دیگر به جای تمغا کلمات اسلامی، همچون الله، نصر، فتح، عدل و یا حروف مشخصی چون ظ آمده که به احتمال زیاد مخفف کلمه ظفر است. سکه های سلجوقیان روم، دارای بعد مذهبی کمتری نسبت به سلجوقیان ایران است. شعائر مذهبی کمتر و نقشمایه های تصویری متنوع تری استفاده گردیده که خاستگاه فرهنگی آنها، ریشه در باورها و اعتقادات ترکان آناتولی است.

شوالیه، ژان، گریبان، آلن، (۱۳۸۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضائلی، جلد سوم و پنجم، تهران: انتشارات جیحون.

طباطبایی، جواد، (۱۳۷۵) خواجه نظام الملک، تهران: طرح نو.

قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۸۸). سکه های اتابکان آذربایجان مکشوفه در استان زنجان، مجله پیام باستان شناس، سال ششم، شماره یازدهم، ۱۲۱-۱۱۱.

لمبتون، آن.ک.س، (۱۳۷۹). ساختار درونی امپراطوری سلجوقی، مترجم: حسن انوشه، جلد ۵، تهران: امیرکبیر.

محمدیان، فخرالدین، شریف کاظمی، خدیجه، مهرآفرین، رضا، (۱۳۹۸). بازتاب جایگاه نقش تیر و کمان در تاریخ و فرهنگ ایران، دوفصلنامه علمی پژوهش هنر، شماره هفدهم، ۶۶-۳۳.

مناظر احسن، محمد، (۱۳۸۰)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه: مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هندی، احسان، الاسلحه و الات القتال عند العرب و المسلمین، (۲۰۰۴)، دمشق: مرکز الدراسه العسگریه.

Kindermann, H. 1986. Al-Asad, LLeiden, the Encyclopedia of Islam, Netherlands: E.J.Brill
<https://www.davidmus.dk>

منابع

اسکندری راد، سلیمان (۱۳۹۴). "نگاه تاریخی به دین و تحولات مذهبی در ایران دوره سلجوقی"، تاریخ پژوهی، شماره ۶۴، ۱۵-۵۱.

افروغ، محمد و نوروزی طلب، علیرضا، (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی به عنوان شکل و صور تزئینی آثار فلزی دوره سلجوقی، مطالعه موردی: آبریز برنجی مجله نگره، ۸۳-۶۹.

باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۱۰)، سلجوقیان. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.

بوسانی، آ، (۱۳۹۰)، دین در دوره سلجوقی، مترجم: دکتر تیمور قادری، جلد ۵، چاپ سوم، تهران: انتشارات مهتاب.

بیهقی الف. (۱۳۸۶). تاریخ بیهقی، تهران: انتشارات سنایی.

پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۵۶)، نهج الفصاحه (سخنان پیامبر اکرم)، تهران: انتشارات جاویدان.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۵)، وسائل الشیعه، چاپ هشتم، تهران: اسلامیه.

خزایی، محمد، (۱۳۸۱) نقش شیر در هنر اسلامی، ۱۳۸۱، هنرهای تجسمی، شماره ۵۷، ۱۷-۵۴.

دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام، (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا و کلهر.

دیماند، موریس اسون، (۱۳۸۳). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.



نمودار ۱. عناصر بارز در فلسفه مذهبی سلجوقیان، منبع: نگارنده.



نمودار ۲. ویژگیهای عمده مسکوکات سلجوقی، منبع: نگارنده.



تصویر ۱. دینار طلا. رکن الدین ابوطالب محمد طغرل بیگ بن میکائیل، ضرب ری، منبع تصویر:

<https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۲. دینار طلا. رکن الدین ابوطالب محمد طغرل بیگ بن میکائیل الری (محمدیه سابق)، منبع تصویر:

<https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۳. دینار طلا. عدودالدوله ابو شجاع محمد آلپ ارسلان بن چغری بیگ داود، الاهواز، پایتخت خوزستان، یکی از شهرهای اصلی تجاری بر سر خلیج فارس، منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۴. دینار طلا. معزالدین رکن الاسلام ابوالفتح مالک شاه بن آلپ ارسلان و فخرالملوک ابومنصور قتلغ بیگ اونار، ضرب شیراز. منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection

<https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۵. دینار طلا. جلال الدوله ملک شاه بن آلپ ارسلان، ضرب مدینه السلام - «شهر صلح»، یعنی بغداد در عراق، منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection

<https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۶. دینار طلا. غیاث الدین ابو شجاع محمد تپر بن مالک شاه (به عنوان رقیب برکیاروق، به عنوان رئیس خانواده، ضرب مدینه السلام - «شهر صلح»، یعنی بغداد در عراق، منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk> David Collection



تصویر ۷. معزالدین ابوالحارث سنجر بن مالک شاه، (به عنوان حاکم ارشد سلجوقی، ۵۱۱-۵۵۲ هـ. / ۱۱۱۸-۱۱۵۷ م.)، بلخ شهر اصلی ربع چهارم خراسان است منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۸. دینار طلا. عمادالدوله قره ارسلان قوورد بن چغری بیگ داود، (۴۶۵-۴۴۰ هـ.ق، منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۹. دینار طلا، محمی الدین تورانشاه بن قره ارسلان بیگ قوورد بن چغری بیگ داود، (۴۷۷-۴۹۰ هـ.ق) ضرب جیرفت، منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۱۰. دینار طلا، اسلغورید اتابگهای فرس، ۶۸۴-۵۴۳ ه. ق. آیش خاتون بنت سعد بن ابوبکر، ضرب دارالملک (شیراز) - کاخ سلطنتی در شیراز، اقامتگاه حاکم. منبع تصویر: <https://www.davidmus.dk>: David Collection



تصویر ۱۱. برج قوس، کتاب أرجوزه فی الصورالکواکب، منبع: موزه رضا عباسی



تصویر ۱۲. نقش صور فلکی کمان در نقاشی از نسخه خطی مونس الاحرار (دیماند، ۱۳۸۳)



تصویر ۱۳. برج کماندار، آذر بر روی یک آبریز متعلق به دوره سلجوقی (افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۹۰: ۷۶)



تصویر ۱۴. نقوش نجومی برج قوس، قلمدان برنجی، ۶۸۰ هجری قمری، موصل، موزه بریتانیا، منبع تصویر: محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸، ۴۱).

جدول ۱. جدول شمایل شناسی نقشمایه های سکه های سلجوقیان ایران، منبع: نگارنده.

| مذهب | عنصر تصویری | توصیف آیکونوگرافیکی | تحلیل آیکونولوژیکی | تفسیر آیکونولوژیکی |
|-----------------|-------------|--|--|---|
| اسلام (حنفی) | تیر و کمان | تیر و کمان به صورت خمیده در قسمت بالای سکه وجود دارد که بر اساس نمونه های موجود نشان دهنده فرم کمان است. | تیر، سمبل شهاب های آسمانی، نماد مبارزه با سرما و گرما و تغییر فصول می باشد. کمان، صورفلکی در ارتباط با پدیده نجوم است. | عظمت و حفاظت الهی، قدرت باری تعالی و نابود کردن شر و جهل با پرتاب تیر |



تصویر ۱۵ سکه مسی، مسعود بن قلیچ ارسلان، محل ضرب محدوده آتاتوک، منبع تصویر: موزه ملک



تصویر ۱۶. سکه غیاث الدین کیخسرو (دوم) بن کیقباد، منبع: موزه باستان شناسی رشت



تصویر ۱۷. سکه کیخسرو بن کیقباد سلجوقی، روی سکه نقشمایه سوارکار در حال شکار با تیر و کمان و خرگوش در زیر اسب و روبرو، پشت سکه لا اله الا الله محمد رسول الله، موزه باستان شناسی رشت.
جدول ۲. جدول شمایل شناسی نقشمایه های سکه های سلجوقیان روم، منبع: نگارنده.

| ردیف | مذهب | عنصر تصویری | توصیف آیکونوگرافیکی | تحلیل آیکونولوژیکی | تفسیر آیکونولوژیکی |
|------|--------------|---------------------|---|--|--|
| ۱ | اسلام (حنفی) | شیر و خورشید | شیر به سمت راست قرار گرفته و قرص خورشید بصورت مونث با شعاع های فروزان بر بالای شیر مشاهده می گردد. | از منظر تحلیل آیکونولوژیکی، در حقیقت نمایش زیبایی های یک صورت مونث است | از منظر تفسیر آیکونولوژیکی، به عنوان صورت طالع شاه در نظر گرفته شده است. |
| ۲ | اسلام (حنفی) | سوارکار در حال شکار | سوار کار در حال شکار به سمت راست برگشته و تیر را با قدرت کشیده در زیر پای اسب یک خرگوش در حال دویدن و روبروی تیر هم مشاهده می گردد. | با توجه به باورهای شمنی ترکان سلجوقی، شکار نشان دهنده باورهای قوم جنگجوی سلجوقی است. | از منظر تفسیر آیکونولوژیکی، مظهر قدرت و صلابت پادشاه است. |